



چگونه در یک پروژه بین‌المللی کار کردید؟

کارگردان این پروژه واسل خطیب بود و برای شروع کار با ۵ گریمر از نقاط مختلف دنیا مذاکره کرده بودند و هیچکدام نتوانسته بودند چهره بازیگری را که نقش ناصر را بازی می‌کرد شبیه‌اش کنند. دستگیری داشتیم که در این پروژه حضور داشت و من را به خطیب معرفی کرد سه روز رفته سوریه که پیش تولید سریال در آنجا بود و قرار شد من تست گریم شخصیت اصلی را بزنم. روز اول کارگردان درباره کارش صحبت کرد و من گفتم ناصر را می‌شناسم و عکسی از او در دوران کودکی‌ام دیده بودم و خواستم که با اتکا به همان عکس که در خاطر من باقی مانده بود روی چهره بازیگر اتود بزنم.

کارگردان چه واکنشی داشت؟

برایش جذاب و عجیب بود که من از روی عکسی که داشتند نخواستم طراحی کنم.

به هر حال کار سختی به نظر می‌آمد با توجه به این که ناصر جزو شخصیت‌های مطرح سیاسی قرن بیستم بود.

به فاصله کم چند نفر در دنیا مثل احمد بن بلا، جمال عبدالناصر، چه‌گورا و فیدل کاسترو ظهور کردند که بسیار تاثیر گذار بودند و همان روز تست را انجام دادم و مورد قبول قرار گرفت و در نتیجه طراحی گریم سریال را در حدود شش ماه انجام دادم. این سریال پر شخصیت بود و افرادی مثل انور سادات و حسن هینکل در آن وجود داشتند و بیش از ۱۵۰ بازیگر در این سریال بازی داشتند و گریم سریال را به سه دستیار ایرانیم انجام دادم.

حتما کار در این پروژه به لحاظ کاری و مالی برایتان آورده‌های زیادی داشت.

به لحاظ مالی برایم خوب بود و اصلا دستمزدی که برای این کار گرفتم با دستمزد های سینمای ایران قابل مقایسه نیست. سینمای مصر بیگ پرداکشن است و مثلا برای ماه رمضان صد و خورده‌ای سریال و فیلم آماده می‌کنند و خوراک سایر کشورهای عرب زبان در مصر تولید می‌شود.

آیا بعد از این سریال پیشنهاد کاری دیگری از سایر کشورهای عرب زبان داشتید؟

چند تایی پیشنهاد شد و قبولش نکردم و در مدت اقامتم تمام مصر از جمله اهرام ثلاثه را دیدم و دیگر حوصله‌ام نمی‌رسید که شش - هفت ماهی از ایران دور باشم. یکی از این پروژه‌های پیشنهادی فیلمی بود که به زندگی پرنس دایانامی پرداخت.

البته چند سال بعد دوباره در یک پروژه عربی کار کردید. این حضور چگونه شکل گرفت؟

باسل خطیب کارگردانش بود و چون تجربه موفقی با او داشتم قبول کردم. یک کار تاریخی درباره زندگی عبدالحمید مبارز علیه استعمار فرانسه بود. در این کار هم با ۴ دستیار ایرانی کار کردیم. یادم می‌آید به دستیارانم ماهی ۴ هزار دلار حقوق می‌دادم.

آیا بعد از بازگشت به ایران علاقه نداشتید یک آموزشگاه چهره پردازی تاسیس کنید؟

نه، پول و دستمزد این کار خرج شد و به این کارها نرسید و البته سابقه تدریس در چند موسسه و دانشگاه مثل سروش دارم. زیاد اهل یک جا ماندن و آموزشگاه داری نیستم. بهمینی هستم و مثل باد دوست دارم این طرف و آن طرف بروم.

اهل حزب باد نیستید!

نه، حزبی نداریم که به سمتش بوزیم!

با یک سری کارگردان‌ها مثل کیوان علیمحمدی و امید بنگدار همکارهای موثر و طولانی مدتی دارید. آیا این نوع همکاری‌ها به واسطه سبک کاری کارگردان‌ها پیش است؟

هیچ وقت گریم را مثل یک شغل نگاه نکردم.

یعنی برای شما درآمد گریمری اهمیتی ندارد؟

پول بالاخره از جایی می‌رسد و هیچ وقت لنگ نبوده‌ام و هر کسی سهمیه‌ای در دنیا دارد و روزی هر کسی می‌رسد. این باورم است و برای من بارها چنین اتفاقی رخ داده است. دنیا با هر کسی یک جوری صحبت می‌کند. بدون پول داشتن هم بدم خوشحال باشم. آدم تجربه گریایی هستم و اگر با اتوبوس هم این طرف و آن طرف بروم لذت می‌برم.

با کارگردان‌هایی مثل دکتر رفیعی کار کرده‌اید که به معنی واقعی آر تیست و هنرمند هستند. کار با این نوع کارگردان‌ها برایتان چه آورده‌هایی داشته است؟

ترجیح می‌دهم با کسانی کار کنم که از آنها بیاموزم. حداقل با این نگاه جلو رفته‌ام. جهان فیلمسازی دکتر رفیعی عجیب و جذاب است و یک هنر مثل خودش است. فیلم‌های دکتر رفیعی را دوست دارم. زیبا شناسی «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» مثال زدنی است.

آیا کار در فیلمی مثل «گیتا»، «بی وزنی»، «جانان» و غیره برایتان آموزه‌هایی داشته است؟

مهدی قادری فرد کارگردان «بی وزنی» کارگردان خاص و عجیب و غریبی است و تلاش‌هایی برای رسیدن به خواسته‌اش در فیلمسازی دارد.

کار با کارگردانی مثل ایرج قادری چگونه بود؟

کار فیلمسازی روایت قصه است و ایرج قادری در این کار درست عمل می‌کرد و مخاطبان جذب داستان فیلم‌هایش می‌شدند. خیلی از فیلم فارسی‌ها را که می‌بینیم شسته و رفته قصه‌شان را روایت می‌کنند و به این که آیا تفکری پشتش هست کاری ندارم. در برخی از فیلم‌ها که ادای فیلم متفاوت بودن دارند هیچ تفکری وجود ندارد و کارگردانش حتی بلد نیست قصه فیلمش را روایت کند.

می‌توانیم کار با کارگردان‌های زن مثل نیکی کریمی و نرگس آبیاری را در کارنامه شما جزو کارهای خاص از نوع زنانه بدانیم.

برای من هیچ وقت جنسیت مهم نبوده است و نه امتیاز و نه نقصانی ندارد که برای یک فیلمساز زن کار کنید. من علاوه بر کارگردان‌هایی که اشاره کردید با آیدا پناهنده و آریتا مگوپی هم کار کرده‌ام و خانم‌ها بیشتر پذیرای نظرات مختلف و منعطف هستند. بارها پیش آمده در حوزه کاری با کارگردانی به چالش رسیده‌ام...

در این مورد مثالی می‌زنید؟

سر فیلم «کودک و فرشته» با مسعود نقاش زاده قبل از شروع کار به چالش رسیدم و ایشان طراح گریمر را بیشتر به عنوان مجری صرف می‌دانست تا اینکه طراح گریمری را متناسب با تجربه و توانایی‌اش جلو ببرد. سینما کار گروهی است و قبول ندارم که یک نفر همه تصمیمات را به تنهایی بگیرد.

سودابه خسروی گریم متفاوت از چهره عطاران در فیلم «طبقه حساس» می‌گوید:

فیلم «طبقه حساس» بعد از همکاری‌ام با تبریزی در فیلم «گاهی به آسمان نگاه کن» تجربه خوبی بود. سبک گریم در این فیلم رئال است. «طبقه حساس» فیلم بامزه و آموزنده‌ای است و قرار بود رضا عطاران را مردی حدود ۵۵ ساله چاق و یک مرد حاجی بازاری که خیلی پیر نیست نشان دهم و برای این کار تصمیم گرفتم صورت عطاران را چروک نکنم و به جای آن برافتم صورت تمرکز کنم، چرا که نمی‌خواستیم گریم دیده شود. گریمی که بر صورت عطاران انجام دادیم برای بالا بردن سن او بود. کار در ظاهر ساده بود اما در اجرا به شدت مشکل و وقت گیر شد. ما برای هر بار باید ۲ ساعت به روی صورت عطاران کار می‌کردیم و عطاران خیلی با گروه همکاری می‌کرد چرا که اجرای گریم ایشان به شدت وقت گیر بود اما او هر روز با صبوری برای اجرای گریم همکاری می‌کرد. حتی ایده‌هایی هم برای باور پذیرتر کردن گریم می‌داد.

به نظر می‌رسد اگر قرار بود با ابراهیم حاتمی‌کیا هم کار می‌کردید قطع به یقین دچار چالش می‌شدید!

نمی‌دانم، شاید! اما قرار بود در سریال «موسی» همکاری داشته باشم که بنا به دلایلی امکانش فراهم نشد البته همانطور که پیش از این گفتم کلا علاقه‌ای به کار در سریال ندارم و هیچ وقت دوست ندارم به اجبار در چار چوب‌های خاصی که دلائل و منطقی ندارد کار کنم. در حین کار در سریال «حیرانی»، مدام با ایراداتی به خصوص درباره نوع حجاب زنان مواجه می‌شدم که اصلا چرایی آن را نمی‌فهمیدم.

با رضا میر کریمی در چند فیلم مثل «به همین سادگی» همکاری‌های موفقی داشته‌اید. اصولا کار با میر کریمی چگونه است؟

میر کریمی جزو کارگردان‌های مورد علاقه‌ام است و سبک فیلمسازی و ذهنیتش مناسب تصویر سازی سینما است. در سینمای ایران چند کارگردان مثل نرگس آبیاری و میر کریمی خوب بلدند لحظه‌ها را بسازند. میر کریمی موقعی که برای فیلم «به همین سادگی» من را دعوت گفت «شنیده‌ام گفته‌ای میر کریمی فیلمنامه‌ای ندارد و مطمئنم می‌تواند بر اساس ذهنیاتش فیلم را بسازد». من گفتم این حرف من جنبه تحسین دارد و «به همین سادگی» جزو آثار مورد علاقه‌ام است و موقعی که کارگردان اثر بتواند با کمترین دیالوگ جهان و حس کاراکتر را خلق کند نشان از تبحر او به فیلمسازی است.

آیا کمال تبریزی را هم می‌توانیم جزو گروه فیلمسازانی مثل آبیاری و میر کریمی طبقه بندی کنیم؟

تبریزی کارگردان باسواد است که هیچگاه سوادش را به رخ نمی‌کشد...

اما تجربه داوری‌اش در جشنواره امسال نشان داد داور خوبی نیست!

نمی‌توانم در این باره قضاوتی داشته باشم. باید شرایط را دانست و بعد در این باره نظر داد. به فردیت او شک نمی‌کنم. اما داوری می‌رود در یک مجموعه و یک کار گروهی است.

کار با ناصر تقوایی چگونه بود؟

تقوایی کارگردان درجه یکی است و من در دومین فیلمی که طراحی گریمش را انجام دادم با ایشان همکاری کردم و آن موقع نمی‌فهمیدم که چاره تقوایی استاد می‌گفتند. بعدش که با خیلی از کارگردان‌ها کار کردم فهمیدم چرا او را استاد خطاب می‌کنند. ایشان جهان دیگری از دانایی و تسلط در کار را ارائه می‌کند.

برای گریم بهتر چه نوع چهره‌هایی بیشتر مناسب است؟

نمی‌شود تعریف خاصی انجام داد. بسته به نوع کار و اینکه برخی از چهره‌های ممکن برای گریم جوانی خوب هستند. اما برای گریم پیری جواب نمی‌دهند و بر عکسش هم وجود دارد.

مثال می‌زنید؟

نه، بهتر است این کار را نکنم برخی از چهره‌ها را می‌شود راحت جوان کرد.

مثل لیلا حاتمی در «دوران عاشقی»؟

چهره خود لیلا حاتمی همین طوری جوان است و کار زیادی نیاز ندارد.

اما وارد سن میانسالی شده.

اما چهره‌اش فرم دختران بیست ساله را دارد.

کدام بازیگر هم گریم جوانی و هم پیری‌اش خوب جواب می‌دهد؟

مریلا زارعی در این زمینه مثال خوبی است. در «شیار ۱۴۳» این ویژگی خیلی به بهتر شدن گریمش کمک کرد.

چهره مهتاب کرامتی در کدام گروه قابل ارزیابی است. معمولادر

اکثر فیلم‌هایش گریمش یکسان است؟

برای اینکه همیشه در رنج سنی خودش بازی می‌کند. شاید چهره مهتاب کرامتی به گونه‌ای است که مناسب ایفای برخی از نقش‌ها نباشد و البته کارگردان‌ها هم شجاعت ندارند که نقش‌های دیگری به او پیشنهاد بدهند.

برای یک گریمر مهم‌ترین بحثی که باید به آن توجه داشته باشد چیست؟

بحث تحلیل شخصیت و بر اساس آن نوع گریمش را طراحی کند. بعد با انتخاب بازیگر الگوی شخصیتی روی چهره‌اش طراحی می‌شود. قرار نیست در گریم فیلم کار خارق‌العاده‌ای انجام بدهیم.